«جوان» واکنش معاون صنایع عمومی صمت به نامه برخی انجمن‌های صنعتی را بررسی می‌کند

آفتابه‌لگن انجمن‌های صنعتی هفت‌دست جلب رضایت مردم هیچ!

معاون وزیر صمت خطاب به انجمن‌های صنعتی: انرژی و کارگر را با دلار ۱۵هزار تومانی دریافت می‌کنند اما ارز را می‌خواهند ۶۰هزار تومان بفروشند!

گزارش یک

بهناز قاسمی

رضا دهشیری | جوان

خام‌فروشی صنایع بزرگ و فروش کالا با نرخ‌های جهانی به صنایع پایین‌دستی داخلی در بورس کالا، بلای جان صنعت و تولید شده است. صنایع بزرگ صنعتی به بهانه صادرات بالا و کسب درآمدهای ارزی مدام در حال چانه‌زنی برای به کرسی نشاندن خواسته‌های‌شان هستند. این صنایع که در طول این سال‌ها از کارگر و انرژی ارزان بهره‌مند هستند، هرازگاهی به سیاست‌های بانک مرکزی مبنی بر نرخ ارز حاصل از صادرات انتقاد می‌کنند. اخیراً ۱۰ انجمن بزرگ تولیدی کشور در نامه‌ای از سیاست‌های بانک مرکزی در سرکوب نرخ ارز صادرات و انتشار گواهی سپرده ۳۰درصدی انتقاد کردند و خواستار واقعی‌سازی نرخ ارز در سامانه نیما مبتنی بر نرخ شناور مدیریت‌شده نص صریح قانون شدند. معاون وزیر صمت با انتقاد تند از نامه این صنایع و دستان پشت پرده بورس کالا، این انجمن‌های صنعتی را منتسب به جریان تورم‌ساز می‌خواند و می‌گوید: انرژی و کارگر را با دلار ۱۵هزار تومانی دریافت می‌کنند، اما ارز را می‌خواهند ۶۰هزار تومان بفروشند، البته قبلاً پاسخ آنها داده شده است که شرکت‌های بزرگ دولتی که مواد اولیه را از دولت می‌گیرند، چرا برنامه‌ها و سیاست‌های خود را با دلار تلگرامی تنظیم می‌کنند؟

■■■

زدوبندهای صنایع بزرگ تمامی ندارد. آنها که همواره از سوی دولت‌ها مورد حمایت قرار می‌گیرند، با کوچک‌ترین تغییر در سیاست‌های بانک مرکزی و تغییر نرخ ارز حاصل از صادرات‌شان، دادوفغان سر می‌دهند و تا رسیدن به هدف‌شان و عقب‌نشینی دولت آرام نمی‌گیرند. از سال ۱۳۹۸ با تشدید تحریم‌ها علیه کشورمان و پیش‌بینی کاهش ذخایر ارزی، دولت وقت سیاست‌هایی را برای بازگشت ارز حاصل از صادرات و ارائه آن به مرکز مبادله ارزی در پیش گرفت. از آن سال تاکنون، دولت نسبت به متخلفان و صنایعی که ارزشان را در مرکز مبادله تحویل نداده و به عبارتی تخلف داشته‌اند، هشدار می‌دهد و تلاش می‌کند، ارز صادراتی‌شان را به داخل کشور بیاورند و در مرکز مبادلات ارزی ارائه دهند. از همان سال این صنایع بر سر نرخ ارزشان در حال چانه‌زنی هستند. صنایع تولیدی و صنعتی کشور که از کارگر و انرژی ارزان داخلی بهره‌مند هستند، دوست دارند کالای خام صادر کنند، کالای تولیدی‌شان را با نرخ‌های جهانی به صنایع پایین‌دستی داخلی و ارز صادراتی‌شان را با نرخ ارز بازار آزاد (۶۰هزار تومانی) در داخل کشور بفروشند. این دسته از صنایع که به اصطلاح خون صنایع پایین‌دستی را در شیشه کرده‌اند، با لابی‌هایی که با بورس کالا دارند، قیمت‌سازی و برای تحریک بازار بعضاً از عرضه کالا جلوگیری می‌کنند تا قیمت‌ها را بالا ببرند. تعدادی از همین صنایع اخیراً در نامه‌ای از سیاست‌های ارزی بانک مرکزی انتقاد کرده‌اند.

■ توطئه علیه بانک مرکزی با محوریت بورس کالا

طی روزهای اخیر حکایت نامه‌ای که از طرف ۱۰انجمن صنعتی کشور امضا شد و مخاطب آن نیز رهبری بود، توجه‌ها را به خود جلب کرد. در ظاهر دیده می‌شود چند انجمن صنعتی که به سیاست‌های ارزی بانک مرکزی انتقاد داشتند، نامه‌ای را در همین خصوص نوشته، امضا کرده و ارسال کرده‌اند، اما در باطن، ماجرای دیگری پشت این نامه بوده است. موضوعات مورد انتقاد این ۱۰انجمن بزرگ تولیدی، سیاست‌های بانک مرکزی در حوزه قیمت‌گذاری نرخ ارز صادرات و انتشار گواهی سپرده ۳۰درصدی بود. این انجمن‌ها در ادامه نیز خواستار واقعی‌سازی و شناور کردن نرخ ارز در سامانه نیما شدند.

خواسته این انجمن‌ها در حوزه افزایش نرخ نیمایی از جهاتی غیرمنطقی است. از یک طرف با شناور کردن نرخ ارز نیمایی، این نرخ جهش قیمتی خواهد داشت که نتیجه آن افزایش بهای تمامی کالاها از جمله کالاهای اساسی است. از طرف دیگر میزان ارز نیمایی در فرایند عرضه و تقاضا در مرکز مبادله مشخص می‌شود. با این اوصاف، امضاکنندگان این نامه اظهاراتی داشته‌اند که جالب توجه است.

■ از اظهار ندامت تا اعلام اینکه اغفال شده‌اند

طبق اعلام فارس، احمد مهدوی، دبیرکل انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی یکی از ۱۰انجمنی است که نام او پای برگه دیده می‌شود. مهدوی در مصاحبه‌ای می‌گوید: «نامه‌ای که در خصوص سیاست‌های ارزی و نحوه بازگشت ارز به نیما خطاب به رهبری نوشته شده است وجهه قانونی ندارد، چون نخست اینکه اصلاً خطاب به رهبر معظم انقلاب نوشته نشده بود و با این عنوان از ما امضا نگرفتند، دوم اینکه قرار بود نامه تحویل برخی مسئولان مربوط مثل رئیس کل بانک مرکزی و معاون اول رئیس‌جمهور شود، سوم اینکه قرار بود اصلاً این نامه منتشر نشود!»

طبق گفته‌های دبیرکل انجمن کارفرمایی صنعت پتروشیمی، این نامه از سوی آقای جهرمی، مدیرعامل بورس کالا به آنها ارسال شد تا آن را امضا کنند و آقای جهرمی طی تماس تلفنی به وی گفته بود: «نامه علیه سیاست‌های بانک مرکزی را امضا کن، چیز بدی نیست.»

احمد مهدوی تشریح می‌کند که با توجه به اینکه انجمن پتروشیمی که بزرگ‌ترین صادرکننده کشور است و بیشترین ارز را وارد کشور می‌کند، اعضای آن نزد رئیس کل بانک مرکزی رفتند، مسائل خود را مطرح کردند و با نتیجه از جلسه خارج شدند، مشکلی هم با سیاست ارزی بانک مرکزی نداشته‌اند و در هماهنگی کامل به سر می‌برند، البته باید به این موضوع اشاره داشت که مهدوی در گفت‌وگویی دیگر که هم اکنون در سایت انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی قرار گرفته، گفته این نامه امر کارشناسی و اقتصادی بوده است و ارتباطی به بورس کالا ندارد. هوشنگ گودرزی، رئیس سندیکای صنایع آلومینیوم ایران یکی دیگر از افرادی بود که نامه پرحاشیه را امضا کرده بود. گودرزی درباره موضوعات مطرح‌شده در خصوص نامه مذکور می‌گوید: «اصلاً قرار نبود این نامه رسانه‌ای شود. بورس کالا پیگیر امضای این نامه بود، طبق آنچه به ما گفته بودند، این نامه خطاب به مسئولان رده‌بالای کشور نوشته شده بود و نامی به عنوان گیرنده نامه به ما گفته نشد.»

موضوع عجیب دیگری از اظهارات این دو مسئول که نامه را امضا کرده‌اند به چشم می‌خورد؛ بورس کالا شرکتی است که پشت این قضیه قرار دارد. با وجود اینکه بورس کالا یک شرکت سهامی عام است و اعضای هیئت مدیره آن را اکثراً نمایندگان شرکت‌های کاملاً دولتی تشکیل می‌دهند، اما طی اتفاقی که پیش آمد، این موضوع مطرح می‌شود که آیا در دولت علیه دولت برنامه‌ریزی می‌شود؟ نکته جالب ماجرای نامه مذکور به امضای این نامه از سوی انجمن‌هایی مانند کفش و نساجی بازمی‌گردد که صادرات آنها بسیار ناچیز است و ارزی در سامانه نیما عرضه نمی‌کنند.

■ واکنش تند معاون وزیر صمت به نامه ارسالی انجمن‌ها

محمدمهدی برادران، معاون صنایع عمومی وزارت صمت که البته عملکرد خودش موجب گلایه مردم است، در گفت‌وگو با ایسنا در واکنش به نامه اخیر برخی تولیدکنندگان بزرگ کشور در خصوص بازگشت ارز صادراتی و فروش آن به نرخ بالاتر از نیما با تأکید بر اینکه این نامه جای ابهام دارد، می‌گوید: در واقع اینها جریان تورم‌ساز کشور هستند؛ جریان تورم‌گرایی که سوءمدیریت خود را با کاهش پول ملی تنظیم می‌کنند. اینها شرکت‌هایی هستند که برخی از آنها به جای اینکه به بهره‌وری تولید فکر کنند، هر ساله در این فصل با بازی با صورت‌های مالی و قیمت‌سازی، سودهای کلان گزارش می‌کنند، مثلاً شرکتی که سال گذشته ۱۰۵همت سود گزارش کرده است، چرا باید چنین نامه‌ای بنویسد؟

■ اگر صنایع پایین‌دست این موضوع را مطرح می‌کردند، مشکلی نبود

برادران می‌افزاید: به عنوان نمونه انجمن نساجی یا صنعت کفش که این نامه را امضا کردند، باید بررسی شوند که آیا اساساً ارزی آورده‌اند که در کانال ۴۰هزار تومان فروخته باشند؟ اینها که ارز خود را در کانال‌های بالاتر می‌فروشند.

برادران تصریح می‌کند: شرکتی که تولیدش کمتر شده چرا سودش زیاد شده است؟ این سؤال بنده باعث ناراحتی بسیاری شده بود، اما واقعاً ۱۰۵همت سود چه معنایی می‌دهد؟ اصلاً چه مشکل بزرگی وجود داشت که به رهبری نامه نوشته‌اند؟ از این بیشتر می‌خواستند سود کنند؟ اگر صنایع پایین‌دست این موضوع را مطرح می‌کردند، مشکلی نیست اما نه صنایع بالادست.

معاون صنایع عمومی وزیر صمت با اشاره به دخالت بی‌مورد بورس کالا در این موضوع تأکید می‌کند: بورس کالا یک شرکت خصوصی است و نباید در حوزه سیاستگذاری دولت وارد شود که در این صورت تخلف آن محرز است. بورس کالا کارمزدش را بگیرد تا در آن بستر معاملات صورت بگیرد.

■ چرا حقوق مالکانه دولت را با نرخ ۶۰هزار تومان نمی‌دهند؟

وی تصریح می‌کند: سهامدار بورس کالا شرکت مس است و معلوم است این شرکت یا شرکت فولاد می‌خواهند بیشتر بفروشند. اینها می‌خواهند بیشتر سود کنند و به همین دلیل چنین کاری کرده‌اند. تصور کنید شرکت فولاد در سال گذشته ۱۰۸همت سود کرده است، از جیب مردم و از جیب زنجیره پایین‌دست مثل لوازم خانگی که باید سود می‌کرد اما در واقع با خام‌فروشی سود کرده است! در حال حاضر هم کالا را داخل کشور گران‌تر می‌فروشند و هم می‌گویند ارز صادراتی را با نرخ بالاتر بفروشیم!

برادران می‌گوید: آقایان انرژی را با دلار ۱۰هزار تومان، نیروی انسانی را با دلار ۱۵هزار تومان و بنزین را با دلار هزار تومان می‌گیرند، بعد کالا را با نرخ ۵۰هزار تومان بفروشند؟ چرا باید اینگونه باشد؟ مگر اینکه بگوییم حقوق مالکانه دولت را با نرخ ۶۰هزار تومان پرداخت کنند و همینطور انرژی را، سپس در این شرایط ارز صادراتی را با نرخ ۶۰هزار تومان بفروشند.

■ چرا هر سال در اردیبهشت ماه جریان‌سازی می‌کنند؟

به گفته معاون صنایع عمومی وزارت صمت، متوسط مواد اولیه این شرکت‌ها کمتر از ۳۰هزار تومان است، مگر حقوق نیروی انسانی را با دلار ۶۰هزار تومانی می‌دهند که می‌خواهند ارز صادراتی خود را بالا بفروشند؟!

وی با تأکید بر اینکه جریانی پشت پرده است که هر سال اردیبهشت ماه جریان‌سازی می‌کنند و امسال بورس کالا هم ایدئولوگ آنها شده است، تصریح می‌کند: رهبری قبلاً پاسخ اینها را داده‌اند که شرکت‌های بزرگ دولتی که مواد اولیه را از دولت می‌گیرند، چرا برنامه‌ها و سیاست‌های خود را با دلار تلگرامی تنظیم می‌کنند؟

گزارش ۲

سیدعلی موسوی

نقش دریافت مالیات از دانه‌درشت‌ها و خصولتی‌ها در تحقق «بودجه پایدار»

تمرکز بر دریافت مالیات از دانه‌درشت‌ها و همچنین خصولتی‌ها بسیار راهبردی و مهم بوده است. طبق عملکرد منابع مالیاتی ۱۰۰درصد تحقق‌یافته در بودجه ۱۴۰۲، بیش از ۳۰درصد کل درآمدهای مالیاتی کشور از ۸۰۷مؤدی بزرگ و عمدتاً خصولتی دریافت شده و در بخش مالیات اصناف نیز بیش از ۵۰درصد کل درآمدهای مالیاتی بخش اصناف که معادل ۳درصد کل درآمدهای مالیاتی است، از تنها یک‌درصد مؤدی بزرگ و دانه‌درشت بخش مشاغل دریافت شده است.

■■■

نفت به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی ایران شناخته شده است و به عنوان ثروت ملی، حق مشترک همه ایرانیان، چه نسل حاضر و چه نسل‌های آینده محسوب می‌شود، اما استفاده از این منبع طبیعی برای تأمین بودجه کشور بدون در نظر گرفتن مسائلی مانند تحریم‌ها و نوسانات قیمت جهانی می‌تواند پیامدهای طولانی‌مدت به همراه داشته باشد. به ویژه، وقتی که کنترل این منبع حیاتی به دلیل تحریم‌های بین‌المللی به خطر افتاده است، اتکا به آن به عنوان منبع درآمد پایدار می‌تواند ریسک بزرگی برای اقتصاد کشور محسوب شود.

به جای تکیه بر درآمدهای نفتی که مستعد نوسانات و تحریم‌ها هستند، توسعه منابع درآمدی پایدار و مستقل از عوامل خارجی باید در اولویت قرار گیرد. این رویکرد شامل تقویت بخش‌هایی مانند کشاورزی، صنعت و خدمات می‌شود که می‌توانند به تولید ثروت مستمر و کاهش وابستگی به صادرات نفت کمک کنند. همچنین ایجاد زیرساخت‌های قوی‌تر در حوزه‌های فناوری و نوآوری می‌تواند به افزایش توان رقابتی ایران در بازارهای جهانی کمک و اقتصاد کشور را از نوسانات بازارهای جهانی نفت مستقل کند.

بهبود نظام مالیاتی و گسترش پایه مالیاتی می‌تواند به تأمین مالی پایدار بودجه کمک کند. با اجرای سیستم مالیاتی عادلانه و کارآمد، دولت می‌تواند منابع مالی لازم را برای توسعه و پیشرفت کشور بدون وابستگی به درآمدهای نفتی تأمین کند. این رویکرد نه تنها امنیت اقتصادی را افزایش می‌دهد بلکه شفافیت و عدالت اجتماعی را نیز تقویت می‌کند، بنابراین تأکید بر استقلال اقتصادی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی می‌تواند به ایجاد آینده پایدار برای همه ایرانیان کمک کند. با توجه به اینکه نفت ثروتی است که به نسل‌های آینده نیز تعلق دارد، مدیریت صحیح این منبع حیاتی و ایجاد جایگزین‌های درآمدی پایدار، می‌تواند اطمینان‌بخشی برای رفاه نسل‌های آینده باشد.

عدالت مالیاتی از اصول بنیادین سیاست‌های اقتصادی در سراسر جهان به شمار می‌رود و بر اساس این اصل، انتظار می‌رود افراد بر مبنای توانایی‌های مالی‌شان به پرداخت مالیات ملزم باشند. این نظام به گونه‌ای طراحی شده است که افراد ثروتمندتر که از زیرساخت‌ها و امکانات کشور بهره بیشتری می‌برند، مسئولیت بیشتری در تأمین هزینه‌های عمومی دارند. در واقع، مالیات بر درآمد متناسب با ثروت افراد، رویکردی است که به تحقق عدالت اجتماعی و کاهش شکاف‌های اقتصادی کمک می‌کند. از سوی دیگر، اصل عدالت مالیاتی حکم می‌کند افرادی که در جایگاه‌های معیشتی پایین‌تر قرار دارند و درآمدهای ناکافی برای تأمین نیازهای اساسی خود دارند، نباید تحت فشار مالیاتی قرار بگیرند. بر این اساس، دولت‌ها مکلفند سطوحی از معافیت مالیاتی را برای حمایت از اقشار کم‌درآمد در نظر بگیرند. این معافیت‌ها نه تنها به کاهش بار مالی آنها کمک می‌کند، بلکه فرصت‌هایی را برای بهبود وضعیت اقتصادی‌شان فراهم می‌آورد.

سیاست‌های مالیاتی دولت نیز در سال گذشته مبتنی بر همین روش کلیدی بوده است. تمرکز بر دریافت مالیات از دانه‌درشت‌ها و همچنین خصولتی‌ها بسیار راهبردی و مهم بوده است. طبق عملکرد منابع مالیاتی ۱۰۰درصد تحقق‌یافته در بودجه ۱۴۰۲، بیش از ۳۰ درصد کل درآمدهای مالیاتی کشور از ۸۰۷مؤدی بزرگ و عمدتاً خصولتی دریافت شده است و در بخش مالیات اصناف نیز بیش از ۵۰درصد کل درآمدهای مالیاتی بخش اصناف که معادل ۳درصد کل درآمدهای مالیاتی است، از تنها یک‌درصد مؤدی بزرگ و دانه‌درشت بخش مشاغل دریافت و مابقی ۵۰درصد کل درآمدهای مالیاتی بخش اصناف از سوی ۹۹درصد دیگر مؤدیان خرد و غیرخاص پرداخت شده که این رویکرد کلیدی نشان از تحقق نظام مالیاتی مبتنی بر عدالت است.

■ رویکرد جدید دولت در تمرکز بر دریافت مالیات از دانه‌درشت‌ها

حسین نجف‌دولابی، کارشناس اقتصاد مالی در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به رویکرد دولت سیزدهم در تمرکز بر دریافت مالیات از مشاغل خاص اظهار کرد: هدف از رویکرد جدید دولت در تمرکز بر دریافت مالیات از دانه‌درشت‌ها، فراهم‌آوردن نظام مالیاتی عادلانه‌تر است که در آن همه افراد، صرف‌نظر از وضعیت اقتصادی‌شان، احساس کنند بخشی از فرایندهای توسعه و پیشرفت کشور هستند، بنابراین عدالت مالیاتی حاصل از تمرکز بر دانه‌درشت‌ها در پرداخت مالیات نه تنها اصل اقتصادی است، بلکه ضرورت اخلاقی و اجتماعی به شمار می‌رود.

وی افزود: نظام مالیاتی کشور در سال ۱۴۰۲ قدم مثبتی به این سمت برداشته است تا در آن عدالت مالیاتی لحاظ شود. نظام مالیاتی عادلانه و کارآمد که هم از ثروتمندان به درستی مالیات می‌گیرد و هم حمایت کافی از کم‌درآمدها را در بر داشته باشد، نقش کلیدی در توسعه همه‌جانبه کشور نیز دارد. این رویکرد نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده است که می‌تواند اطمینان حاصل کند همه افراد جامعه، صرف‌نظر از وضعیت مالی‌شان، به نحو عادلانه‌ای از منافع توسعه بهره‌مند شوند.

نجف‌دولابی ادامه داد: رویکرد دولت سیزدهم در زمینه مالیات‌ستانی خود یک اثر بسیار مهم در بازتوزیع مناسب ثروت خواهد داشت. وقتی مردم مشاهده کنند مالیات را فقط تولیدکننده یا حقوق‌بگیر پرداخت نمی‌کند و در عوض اتفاقاً عمده تمرکز مالیات‌ستانی بر مؤدیان بزرگ دانه‌درشت یا مشاغل و اصناف خاص با درآمدهای کلان است، نسبت به پرداخت مالیات با رویکرد مثبت‌تری اقدام خواهند کرد. تمرکز سازمان امور مالیاتی در بخش مالیات اصناف بر مشاغل خاص و همچنین در بخش شرکت‌ها، بر شرکت‌های خصولتی بزرگ به نحوی است که ۳۰درصد مالیات کل کشور تنها از ۸۰۷ مؤدی بزرگ و دانه‌درشت در این بخش دریافت شده که نشان از توجه و حرکت به سمت مالیات‌ستانی عادلانه است.

این کارشناس اقتصاد مالی در ادامه اظهار کرد: نقش کلیدی جمع‌آوری مالیات از مالیات‌دهندگان بزرگ و صنایع بزرگ در تحقق بودجه پایدار را نمی‌توان نادیده گرفت. تمرکز بر جمع‌آوری مالیات از بازیگران اصلی اقتصاد، مانند شرکت‌های بزرگ و مشاغل خاص ثروتمند، نه تنها استراتژیک است، بلکه برای تضمین یک سیستم مالیاتی منصفانه و عادلانه نیز حیاتی است. با اولویت‌دادن به جمع‌آوری مالیات از این نهادها، دولت‌ها می‌توانند جریان‌های درآمدی قابل توجهی ایجاد، توزیع مجدد ثروت را ترویج و ثبات اقتصادی را تقویت کنند.

وی در پایان گفت: مسیر تحقق بودجه پایدار و نظام مالیاتی عادلانه، تمرکز بر دریافت مالیات از مشاغل خاص و همچنین خصولتی‌های بزرگ صنعتی است. تمرکز دولت سیزدهم در این زمینه، بسیار راهبردی بوده، به نحوی که مالیات مشاغل خاص نظیر بنگاه‌های املاکی تنها بعد از سه سال به ۱۰ برابر میزان اولیه خود رسیده است یا طلافروشان نیز به همین نسبت رشد داشته‌اند و هنوز هم با وجود اینکه فاصله بسیار زیادی با میزان واقعی و مالیات حقه این مشاغل خاص داریم اما مسیر حرکتی نظام مالیاتی، مسیر بسیار صحیح و درستی است که به تحقق عدالت در کنار نظام مالیاتی توانمند و هوشمند منجر خواهد شد که نیاز کشور به منابع غیرپایدار نظیر نفت در بودجه کشور را به حداقل خواهد رساند و همچنین سبب بازتوزیع بهتر منابع کشور خواهد شد.

گفت‌وگو

عضو کمیسیون انرژی مجلس در گفت‌وگو با «جوان»:

قوه قضائیه به نحوه هزینه‌کرد منابع پتروشیمی‌ها ورود کند

عضو کمیسیون انرژی مجلس معتقد است: پتروشیمی‌ها وقتی بدهی گازی خود را به دولت پرداخت نمی‌کنند، با این پول که حق بیت‌المال است، کار می‌کنند و سودآوری بیشتری برای خودشان دارند. این وضعیت قابل قبول نیست. از طرفی نیز محصولات پتروشیمی خاصیت تحریم‌پذیری ندارد و به همین دلیل این شرکت‌ها از تحریم‌ها متضرر نشده‌اند که نتوانند بدهی‌شان را بپردازند. اگر طی دوره‌ای که پتروشیمی‌ها هزینه گاز مصرفی‌شان را نپرداخته‌اند، در جایی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، باید نسبت به مصادره اموال آنها اقدام شود. قوه قضائیه می‌تواند به موضوع ورود کند.

بدهی گازی ۶۰هزار میلیارد تومانی پتروشیمی‌ها به دولت تبدیل به موضوعی شده است که افراد مختلف درباره آن نظرات متفاوتی ابراز می‌کنند، اما همگان در این نکته اشتراک نظر دارند که این مبالغ مربوط به بیت‌المال است و باید پرداخت شود. به زعم کارشناسان، پتروشیمی‌ها با تعلل در پرداخت بدهی گازی‌شان در واقع برای مردم مشکل ایجاد می‌کنند، زیرا دولت را در انجام وظایفش مبنی بر ارائه خدمات به مردم با بحران روبه‌رو می‌کنند که در نهایت مردم متضرر می‌شوند.

به نظر می‌رسد، پتروشیمی‌ها نسبت به آنچه به عنوان خوراک از دولت دریافت می‌کنند، احساس تملک دارند. در حالی که این منابع متعلق به مردم است و دولت نیز به نمایندگی از مردم وظیفه دارد نسبت به دریافت این مبالغ اقدام کند. اگر قرار باشد پتروشیمی‌ها از سرمایه ملی برای منافع خودشان بهره ببرند، حقوق مردم تضییع می‌شود و دولت برای انجام وظایفش به مشکل می‌خورد. این شرایط قابل قبول نیست و باید حل‌وفصل موضوع در دستور کار قرار گیرد. فریدون عباسی، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «جوان» در خصوص بدهی گازی پتروشیمی‌ها به دولت تصریح کرد: پتروشیمی‌ها از گاز به عنوان یک ماده اولیه برای تولید محصولات‌شان استفاده می‌کنند. این محصولات انباشته نمی‌شوند، بلکه در بازارهای داخلی و خارجی به فروش می‌رسند و برای شرکت‌ها درآمدزایی دارد. با توجه به این شرایط، پتروشیمی‌ها باید در اسرع وقت نسبت به تسویه بدهی گازی خود به دولت اقدام کنند.

وی ادامه داد: دولت وظایفی بر اساس تبصره هدفمندی یارانه‌های انرژی بر عهده دارد که جزو مصارف قطعی محسوب می‌شوند. انجام این وظایف که شامل مواردی همچون یارانه نقدی، دارو، نان و توسعه صنعت نفت می‌شود، باید از محل درآمدهای دولت از فروش گاز به پتروشیمی‌ها تأمین شود.

عضو کمیسیون انرژی مجلس خاطرنشان کرد: گاز سرمایه ملی است و به بیت‌المال تعلق دارد. شرکت‌های پتروشیمی نمی‌توانند از این سرمایه ملی برای تولید محصولات خودشان استفاده کنند و سودآوری داشته باشند، اما هزینه آن را پرداخت نکنند. عباسی گفت: درآمد حاصل از فروش گاز به پتروشیمی‌ها باید برای ارائه خدمات به مردم و اداره کشور مورد استفاده قرار بگیرد. هیچ دلیل منطقی برای عدم‌پرداخت بدهی گازی پتروشیمی‌ها وجود ندارد و باید سریعاً این تسویه انجام شود. وی ادامه داد: باید مهلتی به پتروشیمی‌ها داده شود و اگر بدهی‌شان را تسویه نکردند، برخورد قاطع با آنها صورت بگیرد. تملک سهام پتروشیمی‌ها می‌تواند به عنوان یک راهکار مورد استفاده قرار بگیرد. عضو کمیسیون انرژی مجلس خاطرنشان کرد: وضعیت پتروشیمی‌ها به لحاظ مالی به گونه‌ای نیست که نتوانند هزینه گاز مصرفی‌شان را بپردازند. آنها بموقع محصولات‌شان را به فروش می‌رسانند. همین الان اگر بخواهیم از پتروشیمی‌ها محصولی را بخریم، برای چند ماه بعد تحویل می‌دهند، دلیلش این است که محصولات‌شان بازار فروش دارد.

وی ادامه داد: پتروشیمی‌ها وقتی بدهی گازی خود را به دولت پرداخت نمی‌کنند، با این پول که حق بیت‌المال است، کار می‌کنند و سودآوری بیشتری برای خودشان دارند. این وضعیت قابل قبول نیست. از طرفی نیز محصولات پتروشیمی خاصیت تحریم‌پذیری ندارد و به همین دلیل این شرکت‌ها از تحریم‌ها متضرر نشده‌اند که نتوانند بدهی‌شان را بپردازند. اگر طی دوره‌ای که پتروشیمی‌ها هزینه گاز مصرفی‌شان را نپرداخته‌اند، در جایی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، باید نسبت به مصادره اموال آنها اقدام شود. قوه قضائیه می‌تواند به موضوع ورود کند.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس در گفت‌وگو با «جوان»:

توسعه اقتصاد دانش‌بنیان پیش‌نیاز مشارکت مردم در جهش تولید است

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی معتقد است: مردمی‌سازی رشد اقتصادی کشور به جز از طریق توسعه اقتصاد دانش‌بنیان اتفاق نخواهد افتاد. این امر نیز به واسطه دانش‌بنیان‌شدن صنایع بزرگ به کمک شرکت‌های توانمند دانش‌بنیان محقق می‌شود.

سیدمحمدرضا میرتاج‌الدینی، عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «جوان» در خصوص لزوم توسعه اقتصاد دانش‌بنیان به منظور افزایش مشارکت مردم در اقتصاد و تحقق شعار سال تصریح کرد: در راستای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان نیاز به عقد قرارداد صنایع بزرگ با دانش‌بنیان‌ها داریم. به عبارت دیگر، باید بازارسازی برای دانش‌بنیان‌ها رخ دهد و به آنها سفارش کار بدهیم. برخی صنایع بزرگ به ویژه صنایع نفت و گاز کشور در این زمینه اقدامات خوبی انجام داده‌اند. قراردادهایی میان این صنایع با شرکت‌های دانش‌بنیان منعقد شده است، اما دیگر صنایع بزرگ کشور به این موضوع ورود نکرده‌اند.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات کشور خاطرنشان کرد: نیاز است صنایع بزرگ در حوزه‌های مختلف از توان دانش‌بنیان‌ها استفاده کنند. شاید این کار ابتدا برای صنایع هزینه‌بر باشد، اما در درازمدت این روند به نفع صنایع و اقتصاد کشور است. واقعیت این است که باید هزینه دانش‌بنیان‌شدن اقتصاد کشور را بپردازیم. میرتاج‌الدینی گفت: باید به متخصصان داخلی اعتماد کنیم و فضای کار برای‌شان به وجود بیاوریم. در غیر این صورت، توسعه اقتصاد دانش‌بنیان اتفاق نخواهد افتاد. ما تجربه موفقی در دوران تحریم در زمینه استفاده از دستاوردهای دانش‌بنیانی در صنایع نفت و گاز کشور داشتیم. ضرورت دارد این موفقیت را به دیگر حوزه‌های اقتصاد کشور تعمیم دهیم.

وی ادامه داد: ظرفیت‌های قانونی نیز برای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان با هدف به حداکثر رساندن مشارکت مردم در اقتصاد پیش‌بینی شده است. اعتبار مالیاتی تحقیق و توسعه و همچنین سازوکار تولید بار اول از جمله این تدابیر هستند. از این ظرفیت‌ها می‌توان در راستای به‌کارگیری توان مردمی‌ترین بخش اقتصاد یعنی شرکت‌های دانش‌بنیان بهره برد.

میرتاج‌الدینی گفت: توسعه اقتصاد دانش‌بنیان را باید تا جایی ادامه دهیم که در نهایت شاهد تحقق شعار سال مبنی بر جهش تولید با مشارکت مردم باشیم. واقعیت این است که مردمی‌سازی رشد اقتصادی کشور به جز از طریق توسعه اقتصاد دانش‌بنیان اتفاق نخواهد افتاد. این امر نیز به واسطه دانش‌بنیان‌شدن صنایع بزرگ به کمک شرکت‌های توانمند دانش‌بنیان محقق می‌شود. وی در پایان تأکید کرد: ممکن است برخی مقاومت‌ها در برابر بومی‌سازی محصولات به عنوان یکی از ارکان اصلی دانش‌بنیان‌شدن صنایع وجود داشته باشد که باید با آن مقابله کنیم. به طور مثال، کسانی که به واردات آلومینا می‌پردازند، جلوی تولید این ماده را در داخل کشور می‌گیرند، زیرا نمی‌خواهند از سودهای کلانی که از این حوزه می‌برند، محروم شوند. در زمینه یکسری ورق‌های استیل خاص نیز همین مشکل را داریم. خط تولید این ورق‌ها در کشور وجود دارد، اما چندین سال است برخی افراد سودجو نگذاشته‌اند این خطوط تولید به بهره‌برداری برسد.

گفت‌وگو

عضو کمیسیون انرژی مجلس در گفت‌وگو با «جوان» مطرح کرد

هوشمندی دولت در گسترش تعاملات انرژی با همسایگان شمالی

عضو کمیسیون انرژی مجلس معتقد است: کشورمان خطوط لوله وسیعی دارد، می‌توانیم از این ظرفیت برای انتقال گاز کل منطقه به خصوص به ترکمنستان بهره بگیریم، بنابراین به اجرا گذاشتن دیپلماسی فعال انرژی با عشق‌آباد و افزایش تعاملات با ترکمنستان بسیار مهم است. سوآپ گاز ترکمنستان برای‌مان مزیت‌های زیادی دارد. با این اقدام، نیاز خود را در شمال‌شرق کشور رفع می‌کنیم و احتیاجی به انتقال گاز از جنوب به شمال کشور نیست. همچنین با این کار از افت فشار گاز در این مناطق جلوگیری می‌شود.

■■■

رمضانعلی سنگدوینی، عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «جوان» در خصوص افزایش روابط کشورمان با همسایگان در حوزه انرژی و به اجرا گذاشتن دیپلماسی فعال انرژی از سوی دولت سیزدهم تصریح کرد: شواهد نشان می‌دهد دولت فعلی اقدامات خوبی در زمینه گسترش روابط با کشورهای دیگر به اجرا گذاشته است. افزایش روابط دیپلماتیک با کشورهای همسایه و غیرهمسایه از جمله دستاوردهای دولت فعلی به شمار می‌رود. وی ادامه داد: گسترش تعاملات در حوزه انرژی با کشورهای همسایه بسیار مثبت ارزیابی می‌شود. پیگیری این سیاست برای‌مان منافع اقتصادی نیز دارد. این امر به کشورهای درگیر کمک می‌کند نیازهای خود را برطرف کنند. عضو کمیسیون انرژی مجلس خاطرنشان کرد: از آنجا که کشورهای همسایه فاصله کمتری نسبت به دیگر کشورها با یکدیگر دارند، با افزایش تعاملات در حوزه انرژی، هزینه‌های‌شان کاهش می‌یابد. این موضوع نیز به بهبود وضعیت اقتصادی دو کشور کمک می‌کند. سنگدوینی گفت: قطعاً افزایش تعاملات در حوزه انرژی با کشورهای همسایه به تقویت جایگاه ما در منطقه و بازارهای انرژی بین‌المللی منجر می‌شود. به طور مثال، ما در حال حاضر سوآپ گاز با آذربایجان را از طریق ترکمنستان داریم. افزایش حجم این مبادلات می‌تواند جایگاه ما را در منطقه تقویت کند.

وی ادامه داد: امکان افزایش تبادلات انرژی با ترکمنستان وجود دارد که باید با جدیت پیگیری شود. ظرفیت انتقال گاز از ترکمنستان می‌تواند به ۴۰ تا ۵۰میلیون مترمکعب در روز برسد. خط لوله انتقال گاز در سرخس و گمیشان در گلستان وجود دارد و می‌توانیم از آنها بهره ببریم. عضو کمیسیون انرژی مجلس خاطرنشان کرد: از آنجا که در کشورمان خطوط لوله وسیعی وجود دارد، می‌توانیم از این ظرفیت برای انتقال گاز کل منطقه به خصوص ترکمنستان بهره بگیریم، بنابراین به اجرا گذاشتن دیپلماسی فعال انرژی در ارتباط با عشق‌آباد و افزایش تعاملات با ترکمنستان بسیار مهم است. سنگدوینی گفت: سوآپ گاز ترکمنستان برای‌مان مزیت‌های زیادی دارد. با این اقدام، نیاز خود را در شمال‌شرق کشور رفع می‌کنیم و احتیاجی به انتقال گاز از جنوب به شمال کشور نیست. همچنین با این کار از افت فشار گاز در این مناطق جلوگیری می‌شود. از طرف دیگر، حق ترانزیتی دریافت می‌کنیم که یک نوع درآمدزایی برای کشور محسوب می‌شود. وی ادامه داد: در گذشته اتفاقاتی بین ما و عشق‌آباد افتاد که به تیرگی روابط منجر شد. دولت سیزدهم در تلاش است روابط را به ویژه در حوزه انرژی با ترکمنستان تقویت کند که اقدام مثبتی است.